

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۹

سال دوم، شماره چهارم، بهار ۱۳۹۰

«دفاع مقدس، تعهد و تحول در شعر قیصر امین پور»*

(علمی - پژوهشی)

دکتر محمدرضا صرفی

استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

سیدرضا هاشمی

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات مقاومت دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

در سال های دفاع مقدس، شعر به عنوان سلاحی اثرگذار، در صحنه حضور داشت و حماسه ها و مقاومت ها را می ستود و ثبت می کرد. جنگ به پایان رسید، ولی پیامدهای آن، همچنان در زندگی مردم باقی ماند. «قیصر امین پور»، با حضور در جبهه ها، از نزدیک با رزمندگان در ارتباط بود و همین ارتباط و آشنایی باعث شد، او همواره پیشرو قافله شاعران انقلاب و دفاع مقدس باشد. درباره تعهد در شعر «قیصر امین پور»، باید گفت قیصر در زمینه تعهد در شعر، شاعری است که تعهد را در آثار او می توان به خوبی دید؛ او به جامعه و اعتقاد مردم متعهد بود. همچنین «امین پور»، از اولین کسانی است که در شعر این دوره، تحول ایجاد می کند؛ در شعر این دوره، علاوه بر محتوا، تفاوت محسوس از نظر زبانی با شعر پیشینیان دیده می شود. شعر و شاعری خود قیصر هم، دستخوش تغییر و تحول می شود، تا آنجا که عده ای گمان می کنند او از عقاید پیشین خود دست برداشته است؛ البته باید گفت قیصر شاعری متعهد و انقلابی بود که تا پایان عمر، به آرمان هایش پایبند ماند.

واژگان کلیدی

شعر، قیصر امین پور، دفاع مقدس، تعهد و آرمان گرایی، سیر تحول و تکامل شعر قیصر.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۳/۲۳ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۰/۹/۱۹

۱- مقدمه

«قیصر امین پور»، از نخستین شاعران انقلاب اسلامی است که پس از شروع جنگ تحمیلی، عاشقانه پا به عرصه دفاع مقدّس می‌گذارد و با حضور در جبهه‌های جنگ، به خواندن اشعار خود برای روحیه دادن به رزمندگان می‌پردازد؛ اشعاری که به گفته دوستانش، تأثیرات فراوانی بر رزمندگان گذاشته و باعث تشویق شدن دیگر شاعران برای ورود به این عرصه نیز شده است.

در این مقاله به بررسی شعر «قیصر» در زمینه دفاع مقدّس و نقش او در ادبیات دفاع مقدّس پرداخته‌ایم. «قیصر» را ملک الشعراء جنگ نامیده‌اند؛ در عین حال او را می‌توان، شاعر صلح هم نامید. همچنین شعر «امین پور» را از منظر تعهدگرایی و آرمان‌گرایی بررسی نموده‌ایم. سیر تحوّل شعر «قیصر» از آغاز تا پایان را تا حدّ امکان مورد مطالعه قرار داده و تکامل یافتن شعر او در گذر زمان را بررسی کرده‌ایم. همچنین به رابطه «امین پور» با سیاست و برخورد متقابل او با مدعیان روشنفکری و روشنفکرانمایان بی تفاوت اشاراتی داشته‌ایم.

۲- دفاع مقدّس در آثار قیصر

«تنفس صبح»، اولین مجموعه شعر «قیصر»، در برگیرنده (۵۱) شعر است که از این میان (۳۴) شعر، در رابطه با دفاع مقدّس است: (۲۰) غزل، (۱) مثنوی و (۱۲) شعر نیمایی.

در مجموعه شعر «دستور زبان عشق»، (۶) شعر مربوط به دفاع مقدّس موجود است و در مجموعه شعر «گل‌ها همه آفتابگردانند» نیز، (۶) شعر در رابطه با دفاع مقدّس وجود دارد. همچنین در دفتر «آینه‌های ناگهان»، (۱۴) شعر به موضوع دفاع مقدّس مربوط می‌شود.

البته اشعاری که مستقیماً در مورد دفاع مقدّس سروده شده‌اند، مورد شمارش قرار گرفته‌اند و در اشعار بیشتری هم، اشاره به مفاهیم دفاع مقدّس دیده می‌شود.

۳- شعر جنگ در زمان جنگ

از ویژگی‌های بارز شعر این دوره، باید به نمود مضامین مربوط به جنگ در آن اشاره کرد. شاعر، تصاویر شعری خود را از واقعیت‌ها می‌گیرد و تمرکز فکر

او بر درونمایه‌های شعری، سبب می‌شود به کنایه و تصویر و تخیل در شعر خود کمتر توجه کند.

بی شک حادثه عظیم جنگ و دفاع مقدس، تأثیری ژرف بر ذهن و اندیشه تمامی دل سوختگان و عاشقان انقلاب گذاشت و هرکس به سهم خود، سعی در ادای دین و رسالت دینی خود داشت و یقیناً شاعران متعهد و دلسوز نیز از این امر مستثنی نبودند. شعر دفاع مقدس، با آغاز جنگ تحمیلی پدید آمد و سر از مطبوعات و حتی میدان‌های جنگ و تمامی رسانه‌های سمعی و بصری درآورد.

عده‌ای معتقدند که وقوع جنگ، نقطه تحرّکی در شعر دهه شصت بود و تداوم جنگ، این نقطه را به خطی ممتد و رو به صعود بدل کرد.

«آغاز شد حماسه بی‌انتهای ما پیچید در زمانه، طنین صدای ما»

(امین پور، ۱۳۸۸: ۴۰۲)

۴- شعر زمان جنگ، شعر شور و انگیزه

شعر دفاع مقدس در مسیر خود، فراز و فرودهایی داشته است. «قیصر» نیز مانند دیگر شاعران این مسیر، در ابتدای راه، ایجاد شور و انگیزه در میان جوانان برای هجوم به سمت خط مقدم جبهه‌ها را وظیفه شعر خود می‌دانست و با استفاده از شناخت دقیق از ضرباهنگ کلمات، راه خود را در این مسیر هموارتر کرد:

ناگه رجز هجوم خواندند	برگرده گردباد راندند
شستند به خون شب زمین را	شمشیر به آسمان رساندند
ماندند به عهد خویش و رفتند	رفتند ولی همیشه ماندند

(امین پور، ۱۳۶۸، ص ۴۱)

در این غزل‌ها، شاعر از یک جماعت یک دست و ترس سخن می‌گوید؛ جماعتی که برای رسیدن به هدف خود یکی شده‌اند. در این گونه شعرها، معمولاً «من شخصی»، اهمیت چندانی ندارد و تنها در جایگاه حرکت به «ما» شدن به چشم می‌آید.

۵- شعر جنگ پس از پایان جنگ

شعر این دوره، کاملاً متمایز از دوره‌های قبل است؛ حسرت و دریغ جا ماندن از کاروان شهیدان، تنهایی و غربت، شرم از شهیدان و پای در گل تعلقات دنیایی ماندن از موضوعات اصلی شعر شاعران است.

«نکته دیگر در این دوره، ظهور مضامین وموضوعاتی در شعر است که لحن نیشدار و گاه آمیخته با حزن واندوهی تلخ را با خود همراه دارند که نمود این گونه اشعار اعتراض آمیز، بیشتر در شعرهای نیمایی جلوه می کند.» (قاسمی، ۱۳۸۳: ۷۱)

در سال‌های پس از جنگ، گروهی براین گمان بودند که شاعران هنوز هم باید در شعرشان، همان فضاها و تصاویر سال‌های جنگ را بازآفرینی کنند یا آنکه به خاطره‌گویی منظوم پردازند و آرزوی بازگشت به فضای جبهه‌ها را در شعر بیان کنند. اما این گونه شعرها، به جای آن که واقعی و عینی باشند، از همراهی با زمان باز مانده اند. شعر، اگر همراه زمان حرکت کند و از واقعیت‌های جاری در زندگی الهام بگیرد، روایت‌گری صادق است. یک روز، مانند خانه‌های خراب شهر است و روزی دیگر، همچون دل‌های سربلند اهل ایمان و ایشار و شهادت، دردمند و پرسش‌گر و صبور.

«قیصر»، در آستانه پنجاه سالگی، دیگر به دنبال واژه تفنگ نبود؛ مدّت‌ها بود که زادگاه و سرزمین مادری اش به دور از وضعیت خطر قرار داشت. با این حال، گویی غبار آن سال‌های نه چندان دور، همچنان بر چهره شاعر «شعری برای جنگ»، باقی مانده بود و گاه گاهی به یاد آن ایام، داغ دلی تازه می کرد.

اول آبی بود این دل، آخر اما زرد شد آفتابی بود، ابری شد، سیاه و سرد شد
صاف بود و ساده و شفاف، عین آینه آه، این آینه کی غرق غبار و گرد شد؟

(امین پور، ۱۳۸۸: ۴۸)

۶- ویژگی‌های مهم شعر دفاع مقدّس

از نظر دکتر «محمد رضا سنگری»، هویت شعر شاعران دفاع مقدّس، چون «قیصر امین پور» چند شاخص مهم دارد:

- الف) مردم‌داری در شعر. (ب) دین در مرکز و محور اندیشه و شعر.
- ج) خود آتھامی و سرزنش خود. (د) حرکت از فرم‌نیمایی به فرم‌سنتی به ویژه غزل.
- ه) حساسیت‌های جهانی. (مثل فلسطین و بوسنی) (و) ستم ستیزی.

(بیات، ۱۳۸۷: ۱۳۰)

قیصر، در پاسخ به این سؤال، که: «قضاوت شما در مورد شعر دفاع مقدس از ابتدا تاکنون چیست؟»، گفته است: «قضاوت درباره هنر و ادبیات دوره‌های خاص، دشوار است. منظور از دوره‌های خاص، دوره‌هایی مثل مشروطیت، انقلاب اسلامی، جنگ و دفاع مقدس است که انگار شعر و ادبیات در این دوره‌ها، وظیفه و رسالت و در نتیجه، گویی تعریف دیگری پیدا می‌کند... بنابراین، در بررسی چنین دوره‌هایی، بهتر است که به جای نقد ایده آل، به نقد رئال پردازیم؛ یعنی واقع‌گرایانه، نگاه کنیم، نه صرفاً آرمانی.» (رک به: امین‌پور، ۱۳۷۲: ۲۱)

۷- دردمندی شاعر و انتقاد از خود

در شعر دفاع مقدس، شاعران با رزمندگان و خانواده شهیدان احساس همدردی می‌کنند. همچنین انتقاد از خود و ستایش شهیدان در شعر شاعرانی همچون «قیصر امین‌پور»، بسیار دیده می‌شود و او با حسرت از کوچ شهیدان و باقی ماندن خود در این جهان، سخن گفته است:

«بر این زمین خالی نه گردی، نه مردی

دلا زین غم ار خون نگردی، نه مردی!

نه من پرکنم جای همچون تویی را

کجا پر شود جای گردی به گردی؟

گذشتن ز سر، سرگذشتی است خونین

دلا کی تو ایسن ره، به زردی نوردی؟

تو بردی ز من گوی در عشق بازی

ولی باختم من، چه نردی! چه نردی!

چه کردی، چه کردی، تو ای عشق باوا!

تو ای عشق با اوچه کردی! چه کردی!

بر این زمین خالی، یلی چون تو باید

من آن دل ندارم، چه دردی! چه دردی!»

۸- شعر دفاع مقدّس برای نوجوانان

«قیصر» هرگز از سرودن شعر برای نوجوانان، غافل نبود و یکی از موضوعات شعر او برای کودکان و نوجوانان، دفاع مقدّس بوده چنان که در کتاب «مثل چشمه، مثل رود»، که برای مخاطبان نوجوان سروده شده است، پنج شعر مربوط به دفاع مقدّس وجود دارد؛ شعرهایی که در گرماگرم پایداری مردم، در برابر دشمن بیگانه فراهم آمده است.

شعر «امین پور»، یکی از ساده ترین و صمیمی ترین شعرهای دفاع مقدّس و یکی از زیباترین نمونه های تلاش شاعران جوان انقلاب در ترسیم زخم و درد، ستیز و نبرد، حماسه و ایشارگری های جوانان پرشور انقلاب در عرصه های گوناگون این مرز و بوم است.

۹- غزل، قالب برتر شعر دفاع مقدّس

قالب هایی که شاعران انقلابی از آنها استفاده می کردند نیز، جالب توجه است. شعر متعهّد و آرمان گرا، در دهه شصت بیشتر در قالب غزل و در کنار آن، دو بیتی، رباعی و مثنوی سروده می شد.

اگر بخواهیم اوّلین و برترین قالب شعری را که قیصر و شاعران انقلاب برای سرودن شعر دفاع مقدّس از آن استفاده کرده اند، نام ببریم، بی شک آن قالب، چیزی جز «غزل» نخواهد بود. در کتاب «شعر امروز»، دلیل رواج غزل، این گونه ذکر شده است:

«در سال های پس از انقلاب، شاعران جوان به دلیل ظرفیّتی که غزل در پیشینه خود برای بیان مفاهیم عرفانی و معنوی نشان داده بود، این قالب را برای بیان بسیاری از عواطف معنوی و روحانی مناسب دیدند.» (باقری، ۱۳۷۲: ۲۰)

۱۰- قیصر ملک الشعراي انقلاب و جنگ

توجه دقیق و توأم با بیان هنری قیصر به شعر دفاع مقدّس، باعث شده که مرتضی کاخی، «قیصر امین پور را «ملک الشعراي انقلاب و جنگ» معرفی

کند و بگوید: «قیصر میان «جنگ» و «زیبایی»، که متنافر و متضاد به نظر می‌رسند، پیوندی استوار ساخته است. کسی از «زیبایی» با این زبان بلند و عریان سخن می‌گوید که هنوز بوی باروت های جنگ به مشامش می‌رسد... قیصر از کسانی است که اهل خرد او را بزرگ باید بدانند.» (محقق، ۱۳۷۸: ۵۶)

۱۱- قیصر شاعر جنگ و صلح

شعر دفاع مقدس «قیصر»، بر خلاف شعر جنگ جهان، دارای نگاهی انسان‌مدارانه و رمانتیک است و «قیصر»، در حیطه رویکردهای نوآورانه دینی به انسان‌مداری، رمانتیسم و نوستالژی (حسرت گذشته) در حوزه شعر جنگ، بی‌همتاست. عده ای می‌گویند اشعار پس از جنگ «قیصر»، مثل «طرحی برای صلح» که در مجموعه «دستور زبان عشق» آمده است، متفاوت از اشعار قبلی او هستند و انکار جنگ از آن‌ها بر می‌آید و حتی پا را از این فراتر نهاده و می‌گویند که قیصر از شعر ایدئولوژیک به شعر عاشقانه و از شعر جنگ به شعر ضدجنگ روی آورده بود.

«سعیدی کیاسری»، نظر دیگری دارد؛ ایشان می‌گوید: «قیصر امین پور معتقد بود که ما، زمانی می‌توانیم برای جنگ قربانی بدهیم که آن جنگ، علیه همه جنگ‌ها باشد و این از نظر من استحاله نیست، [بلکه] سیر تکامل در اندیشه شاعر است.

شاعر، روزگاری جنگی خاص را به عنوان مصداقی از همه جنگ‌ها می‌دیده و آن را رهاننده تلقی می‌کرده است. حال شاید مصداق، عوض شده باشد؛ اگر جنگ را انکار می‌کند. ولی معتقد است برای پیروزی، باید جنگید و کشته شد.» (رک به: سلحشور، ۱۳۸۶: ۱۱۷)

قیصر در ابتدای شاعری اش، دلبسته آرمان‌هایش و مثل همه مردم، تابع اندیشه‌های محوری و مرکزی انقلاب و نیز قلم و شعرش در خدمت ضرورت‌های این عقیده بود؛ بعدها، سیر حرکت او به سمت رهایی همه بشریت است و این که همه نیکی‌ها و پاکی‌ها را برای همه بخواهیم.

نباید از سیر زمان و تکامل شاعر غفلت کرد؛ به هر حال، شاعری آرمان گرا که به سرنوشت مردم خود علاقه مند است، در دوره ای خاص، تحت تأثیر سرنوشت جمعی، به گونه ای خاص روایت می کند؛ وقتی هم که این سرنوشت جمعی عوض شد، او در حالت جدید نمی تواند، با همان تأکیدها و بر حالت قبلی بماند اما این امر به معنای استحاله و گریز شاعر از وضعیّت قبلی نیست.

«قیصر» در شعرهای بعدی اش، هرگز مضمون «شهادت» را انکار نمی کند اما پس از جنگ، با حفظ اصول اعتقادی اش، به سراغ مضامینی می رود که پیشتر چندان به آنها پرداخته بود؛ او در هر دو موقعیّت، به سرنوشت مردم ملتزم بود و همیشه راوی دردها و آرمان های مشترک مردم خود باقی ماند.

«عبدالجبار کاکایی»، می گوید: «قیصر جنگ و صلح را زیست و این زیست دوگانه، او را، شناسنامه یک نسل کرد. «شفیعی کدکنی» به قیصر گفته بود: «قیصر! همین جا که رسیده ای بمان. شعر درست همین است، همین جا که تو ایستاده ای.» این سخن راز ماندگاری است که نیمی در روح شاعر و نیمی در اثر او نهفته است. قیصر، مسیح شد و در کالبد شعر انقلاب روح دمید. مهربانی قیصر، نوشداروی تن زخم خورده شعری شد که تازیانه انکار و تخریب را تجربه می کرد.» (رک به: قاف، ۱۳۸۶: ۲۵)

۱۲- صلح در شعر قیصر

قیصر در جنگ هم برای «صلح»، شعر سروده است. باید دانست که شعر قیصر برای صلح، به هیچ وجه نشانه تغییر نظر او نسبت به دفاع مقدّس نیست. رایحه فرهنگی خاص از این اشعار به مشام می رسد؛ فرهنگی با مختصات دینی و بهره مند از تفکری دین مدارانه.

«اسماعیل امینی» از کسانی که قصد مصادره «قیصر امین پور» به نفع خود را دارند و گمان می کنند که «قیصر» هم مثل خود آنان، دچار خود باختگی و روشنفکر مآبی شده، انتقاد می کند و می گوید: «بیشتر مطالعه بفرمایید! تا

نفرماید که قیصر از شعر ایدئولوژیک به شعر عاشقانه و از شعر جنگ به شعر ضد جنگ روی آورده بود.» (همان: ۲۳)

« طرحی برای صلح» (۱):

«کودک / با گریه هایش در حیاط خانه بازی می کند / مادر، کنار چرخ خیاطی / آرام رفته در نخ سوزن / عطر بخار چای تازه / در خانه می پیچد / صدای در! «شاید پدر!» (امین پور، ۱۳۸۸: ۱۵)

« طرحی برای صلح» (۲):

«شهیدی که بر خاک می خفت / چنین در دلش می گفت: / اگر فتح این است / که دشمن شکست، / چرا همچنان دشمنی هست؟» (همان: ۱۶)

« طرحی برای صلح» (۳):

«شهیدی که بر خاک می خفت / سرانگشت در خون خود می زد و می نوشت / دو سه حرف بر سنگ: / به امید پیروزی واقعی / نه در جنگ، که بر جنگ!» (همان: ۱۷)

«غلامحسین ابراهیمی دینانی» درباره «امین پور» می گوید: «ایشان را به عنوان شاعر جنگ می شناسند اما به نظر من، «قیصر» شاعر صلح است؛ از این بابت هم من ایشان را ستایش می کنم؛ البته دفاع مقدس، غیر از جنگ است؛ شعرهای اوّل ایشان هم، در ستایش دفاع مقدس و دعوت به دفاع است و این قشنگ است و در جای خود، بسیار مطلوب.» (محقق، ۱۳۸۷: ۱۹)

بدون شک، شعر انقلاب و به ویژه شعر دفاع مقدس، با نام «قیصر امین پور» گره خورده و برجسته ترین و صمیمی ترین آثار این حوزه را، باید در شعر «قیصر امین پور» جستجو کرد.

۱۳- شعر اعتراض پدیده پس از جنگ

یکی از گونه هایی که در شعر دفاع مقدس پدید آمد، «شعر اعتراض» است که بیشتر در غزل نمود یافت. غزل اعتراض، پس از جنگ، در اعتراض به فراموش

شدن آرمان‌ها و مطرح شدن بعضی عناصر نالایق پدید آمد اما اعتراض، محدود به غزل نیست.

البته شعرهای اعتراضی «قیصر»، بیشتر بر گلایه و انتقادی کم رنگ تر از آن استوارند و این شاید به روحیه «قیصر» بازگردد؛ او با سربلندی از یادآوری آرمان‌های خود سخن می‌گوید و با صمیمیت و اندوه، شعری اعتراضی همچون غزل «اگر دل دلیل است» می‌سراید:

«اگر دشنة دشمنان، گردنیم! اگر خنجر دوستان، گرده ایم!»

(امین پور، ۱۳۸۲: ۱۰۰)

«در دو کتاب اخیر قیصر، بدون رابطه مستقیم، همه شعرها به سمت اعتراضی پنهان ولی متعهد سوق می‌یابند و اگر چه «قیصر» کمتر برای دفاع مقدّس شعر می‌گوید، هرگز به آرمان‌های روزهای آغازین خود بی‌توجه نمی‌شود؛ شاعری که امروز، بی‌تردید یکی از مهم‌ترین ارکان تعهد در شعر به شمار می‌رود.» (محقق، ۱۳۸۷: ۱۴۲)

گاهی این غزل‌های اعتراضی، حکایت حدیث نفس شاعر و ملامت خود می‌شوند و این شعرها آنجا اوج می‌گیرند که شاعر در کنار آشنایی کامل با پیشینه این گونه شعرها در ادبیات فارسی، دست به بازی با زبان و قافیه‌سازی می‌زند و حتی گاهی از ردیف‌هایی بی سابقه استفاده می‌کند:

«دلایه حال تو، افسوس می‌خورم که نرفتی

تویی به ماندن راضی، اگر درست بگویم

دل مسافر من هم، به یاد ساقه‌ات ای گل

شکسته خواند نمازی، اگر درست بگویم»

(امین پور، ۱۳۶۸: ۳۴)

هر چند عده‌ای می‌گویند که شعر اعتراضی، لطافت ندارد و توفیقی نداشته، اما نمونه‌های خوبی را از این گونه در اشعار قیصر می‌بینیم:

«حنجره‌ها روزه سکوت گرفتند پنجره‌ها تار عنكبوت گرفتند»

(امین پور، ۱۳۸۸: ۲۹۵)

۱۴- نماد در شعر دفاع مقدّس قیصر

در شعرهای دوره جنگ «قیصر»، استفاده او از نمادهای مذهبی و تاریخی را مشاهده می‌کنیم. «محمدرضاشالبافان» در این باره می‌گوید: «قیصر در این گروه از شعرهای خود، پیش از هر چیز، از آن نماد گرایسی سخن می‌گوید که کلیشه (تکراری) شده است ولی نمادهایی را می‌سازد که گرچه شاید تکراری باشند، نحوه استعمال آنها با آن چه تا کنون شنیده ایم، متفاوت می‌نماید.» (محقق، ۱۳۸۷: ۱۳۷)

«دل در تب لیک تاول زدولی ما لیک گفتن را، لبی هم تر نکردیم
حتی خیال نای اسماعیل خود را همسایه با تصویری از خنجر نکردیم»

(امین پور، ۱۳۸۸: ۳۹۲)

ویژگی اصلی این نمادها، سادگی و قابل فهم بودن آن‌ها برای مخاطب است.

۱۵- ادبیات متعهد

«در سال (۱۹۴۶)، «سارتر»، نویسنده کتاب «ادبیات چیست؟»، می‌گفت: «ما می‌خواهیم در تغییر دادن جامعه‌ای که ما را در میان گرفته است، شرکت کنیم؛ ما می‌خواهیم ادبیات، وظیفه اجتماعی خود را که هرگز نباید فرو می‌گذاشت، دوباره به عهده گیرد. همچنین او بر التزام نویسنده تأکید می‌کند.» (نجفی، ۱۳۵۶: ۵۴)

«ژان پل سارتر»، معتقد بود: «نویسنده ملتزم می‌داند که سخن همانا عمل است و می‌داند که آشکار کردن، تغییر دادن است.» (سارتر، ۱۳۴۸: ۴۲)

در سال‌های جنگ دوم جهانی و پس از آن، «سارتر» و پیروانش از ادبیات متعهد و ملتزم دفاع کردند. او، در مورد ادبیات ملتزم به صراحت می‌گوید: «غرض از ادبیات، تلاش و مبارزه است.» (همان: ۳۵)

در ایران نیز به پیروی از «سارتر» و شاید بیشتر تحت تأثیر سوسیالیست‌های شوروی، چنین مباحثی مطرح گردید.

«در نخستین کنگره نویسندگان ایران که تحت تأثیر جوّ خاصّ بعد از جنگ جهانی دوم بود، گفته شد لازم است مثل دیگر مسائل که دارای نقشه و برنامه است، در ادبیات هم، نقشه داشت... شاعر و نویسنده، رهبر جامعه است و باید مردم را هدایت کند.

حاصل سخن این که بر اساس نظریه های التزام ادبیات، هنرمند و نویسنده [وشاعر] به قصد تأثیر گذاری، دست به آفرینش هنری و ادبی می زند و دلیل اصلی تعهّد و التزام هنرمند، آن است که به وسیله هنر، بهتر می توان به هدف رسید.» (بصیری، ۱۳۸۸: ۱۸)

البته باید دانست که «تعهّد و التزام»، پیش از مطرح شدن در غرب در میان مسلمانان مطرح بوده است.

۱۶- تعهّد و نتیجه آن

شاید هدف از ادبیات متعهّد، هدایتگری و دعوت به حقیقت باشد. عده ای می گویند که نتیجه تعهّد در ادبیات، باید آگاهی بخشی باشد:

«کار شعر، برانگیختن توجه و آگاهی است؛ یعنی شعر، طریقه خاصّ جلب توجه به هر چیز است؛ همچنین ترغیب به ادراک، دعوت به آگاهی است.» (دیچز، ۱۳۸۷: ۳۴)

گروهی هم معتقدند که شعر باید در راه کمال مردم، به کار گرفته شود و شاعر کسی است که باید شعرش، زبان حال مردم باشد:

«شعر باید حرفی از جنس زمان داشته باشد، حرفی از زمان و اهل زمانه؛ شعر، پدیده ای است انسانی و برای انسان و زبان سکوت انسان هر زمان است. شعر، پیشرو است و چاووشی است که باید قافله را به حرکت در آورد.» (کاخی، ۱۳۸۷: ۴۴)

استاد «علی معلّم»، درباره تعهّد در شعر انقلاب می گوید: «در نخستین لوح هایی که از جانب امام خمینی (ره) برای تشویق شاعران انقلابی صادر شد، به ظاهر

هیچ سخنی، پیرامون خود شعر گفته نشده بود بلکه حرف از انسانیت و کمال و رسیدن به نهایت بود.» (محقق، ۱۳۸۷: ۶۴)

۱۷- شاعر متعهد کیست؟

شاعر متعهد، کسی است که نسبت به اوضاع جامعه‌اش بی تفاوت نباشد بلکه همراه مردم و سخنگوی آنان باشد؛ البته وظیفه هدایتگری و پیشگامی شاعر نباید او را به ورطه ساده انگاری و عوام گرایی بیندازد.

خانم «طاهره صفارزاده» که خود از شاعران متعهد معاصر بود، در این باره گفته است: «کوشش من، به عنوان یک شاعر، این است که در زمان خود بی طرف باشم. شاعران خوب، صادق ترین مورخین عصر خودشان بوده اند. ما با زمان «حافظ»، در شعر او، روبه رو می شویم. وظیفه شاعر، هم‌زبانی با خواننده نیست بلکه بالابردن سطح سلیقه و آگاهی و فرهنگ اوست.» (کاخچی، ۱۳۸۷: ۸۷۱)

«حمیدرضا شکارسری» در مقدمه ای که بر یک مجموعه شعر نوشته است، درباره شعرو شاعران دفاع مقدس می گوید: «نه آن گونه که شاعر جز تعهد ادبی، هیچ تعهد و مسئولیتی ندارد بلکه به این معنی که در هنگام خلق اثر هنری، هر تعهدی، جز تعهد هنری، از ذهن هنرمند می کوچد و خود را پنهان می کند.

اما شعر دفاع مقدس نمی تواند همه چیز را لاپوشانی کند چرا که برای ابراز هویت، نیاز به تظاهر دارد. شعر دفاع مقدس برای حفظ هویت خود به نوعی تعادل می اندیشد؛ تعادلی بین فرم و محتوا.» (شفیعی، ۱۳۸۷: ۷)

یکی دیگر از وظایف شاعر متعهد، امیدوار کردن مخاطب به آینده است؛ مشکلات نباید باعث یأس شاعر شود.

استاد «تقی پور نامداریان» در مقدمه «آواز باد و باران» نوشته است: «برای شاعری امروزی که با نگاهی از سر تعهد و تأثرات اجتماعی به بیرون می نگرد، اگر چه بیرون سبز و آباد و لطف آمیز نباشد؛ درون که سرشار از معارف و آگاهی‌های

گسترده و متنوع است، بهاری پر از باغ و باران و اشراق است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۴۶)

۱۸- قیصر شاعر متعهد

«پور نامداریان» درباره تعهدگرایی در شعر قیصر گفته است: «این تعهد در مجموعه‌های اولیه اش، بیشتر تعهدی بود که نسبت به انقلاب و به خصوص نسبت به کسانی که به جبهه‌ها می رفتند و می جنگیدند، خیلی محسوس تر و پر رنگ تر بود... «امین پور»، به تأمل و جستجوی حقیقت برآمد؛ حقیقتی که عقل و اندیشه به تنهایی، قادر به وصول آن نبود.» (محقق، ۱۳۸۷: ۲۶)

خود «قیصر» درباره اهمیت شعر در گذشته گفته است: «شعر فارسی از دیرباز، هنر چیره و غالب ایران بوده و خود به تنهایی، کار چندین نهاد اجتماعی و وظیفه شاخه‌های گوناگون فرهنگی، هنری و حتی علمی را بر عهده داشته است اما در این دوره (دوران مشروطه) شعر و شاعر با حفظ بعضی از آن مسئولیت‌ها و کنار گذاشتن برخی دیگر، وظیفه مبارزه، روشن‌گری، انتقاد، افشاگری، بیانیه نویسی، استیضاح مقامات، تاریخ‌نگاری، معرفی صنایع جدید و... را هم به دوش گرفت.» (امین پور، ۱۳۸۶: ۲۹۶)

همچنین، «امین پور» در ادامه آورده است: «در ادبیات انقلابی، ادبیات [و به ویژه شعر] سلاحی بود که بر سر دشمن انقلاب و سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی حاکم کوبیده می شد.» (همان: ۳۸۴)

«رضا سیدحسینی» درباره تعهد در شعر «قیصر امین پور» گفته است: «قیصر در زمینه تعهد در شعر، دو دسته شعر سروده؛ در برخی از شعرها، تعهد اجتماعی داشت و در برخی دیگر، به ذات شعر وفادار بود و برای دل خودش می سرود.» (محقق، ۱۳۸۷: ۵۱)

۱۹- قیصر و مدعیان روشنفکری

«در این کرانه که باران داغ می بارد

به چشم ما، گل بی داغ کمتر از خار است»

(امین پور، ۱۳۸۸: ۳۴۲)

در چند جای اشعار «قیصر»، طعنه و کنایه های او نسبت به مدعیان روشنفکری را می بینیم؛ کسانی که در اوج مظلومیت ملت و هنگامه هجوم دشمن، سکوت کردند و بی تفاوت ماندند.

شاید بتوان گفت آنجا که «قیصر» در «شعری برای جنگ»، عده ای را «دیوار» خطاب می کند، منظور اصلی اش همان مدعیان پر ادعا باشد:

«دیوار سرد و سنگی سیارا! / آیا رواست مرده بمانی / در بند آن که زنده بمانی؟» (همان: ۳۸۸)

«قیصر»، گروهی را «دیوار» خطاب می کند چرا که تنها دیوار سرد و سنگی می تواند این گونه بی تفاوت باشد و تنها به فکر زندگی خود باشد؛ آن زندگی که در نظر شاعر، جز «مردگی» نیست.

«غم می خورند شاعرکان / مثل آب و نان / اما دریغ، / جز غم خوردن نمی خورند.» (همان: ۱۸۲)

قیصر، به شاعران بی درد می تازد؛ کسانی که هرگاه به نفعشان باشد، خود را شاعر خلق می نامند ولی هرگز مردم برای آن ها، مهم نبوده اند.

«شعربی دروغ»:

«ما که این همه برای عشق / آه و ناله دروغ می کنیم / راستی چرا / در رثای بی شمار عاشقان / - که بی دریغ - / خون خویش را نثار عشق می کنند / از نثار یک دریغ هم / دریغ می کنیم؟» (همان: ۱۲۹)

تعدادی از شاعران که مدعی روشنفکری بودند و داعیه دفاع از مردم هم داشتند، در نهایت، به بدگویی از مردم پرداختند. روشنفکری در شعر شاعرانی که خود را سیاسی می دانند نیز عاقبت خوبی نداشته است:

«شاعرانی که با روزمره گوی سیاست و وسوسه قدرت یا در افتادن با قدرت سر کردند، وقتی در نهایت، زورشان به آن نرسیده است یا اوضاع را موافق طبع خود نیافته اند، کاسه و کوزه را بر سر دیوار کوتاه مردم شکسته اند.» (موحد،

عده‌ای از شاعران معاصر هم، به نام روشنفکری و تنها به دلیل ناسازگار بودن بخشی از فرهنگ و میراث گذشته با مقتضیات این عصر، آن را به کلی نفی و با آن قطع رابطه کردند ولی «قیصر» یکی از شاعرانی است که ضمن حفظ پیوند خود با میراث گذشتگان، به نوگرایی هم توجه داشته است.

این روشنفکر نمایان، شاعران انقلابی همچون «قیصر» را متهم به دولتی بودن می‌کردند. «محمّد مهدی سیّار» نقل می‌کند: «در دوم اردیبهشت (۸۴)، سالگرد تولّد «قیصر»، در منزل او صحبت‌هایی درباره‌ی شاعر و هنرمند مسلمان و تکلیف او در زمانه‌ی جدید شد و «قیصر» در آن جلسه، دلخور بود از کسانی که بر او خرده می‌گیرند که چرا برای «امام و انقلاب» شعر گفتی؟ و گفت: «مگر می‌شد شاعر باشی و دل در گرو زیبایی داشته باشی و در مقابل آن همه زیبایی، سکوت کنی.» همچنین گفت: «از آن شعرها و حرف‌ها پشیمان نیستم زیرا آنها را از روی صداقت گفتم، نه به بوی سکه‌ی زرین یا تکه‌ی زمین.» (رک به: محقق، ۱۳۷۸: ۵۰)

«قیصر»، هرگز به دنبال کسب نام نرفت. برای او بزرگداشت گرفتند و ویژه نامه چاپ کردند، در حالی که او در بزرگداشتش شرکت نکرد و ویژه نامه‌هایش بدون مطالبی از خودش منتشر شد.

۲۰ - آرمان گرایی قیصر

«سعیدی کیاسری» درباره‌ی «قیصر» و نگاه عده‌ای روشنفکرانما به او می‌نویسد: «او بابت آرمان‌هایش مزد نگرفت ولی تا بخواهید برای اعتقادش تاوان داد. آدم‌هایی ناسزاوار، او را شاعر حکومتی و برخوردار از مواهب ویژه نامیدند! خیلی‌ها که پشت نقاب روشنفکری، در دوره‌ی جنگ با سرنوشت میهن همراهی نکردند، از قیصر به خاطر بودن با مردم روی برگرداندند. حتی پس از مرگش، یکی از همین آقایان به طعنه گفته بود: «او از هم طیفانش صمیمی‌تر و راست‌کردارتر بود.» در حالی که «قیصر» نه طیفی داشت، نه حلقه و گروهی.

اگر آرمان‌گرایی جرم است، بله او تا پایان هم آرمان‌گرا بود. کسانی که مدعی روشنفکری هستند، موجودیت شاعری مثل «قیصر» را نادیده می‌گیرند. شما هیچ جنگی را از کسانی که مدعی روشنفکری هستند، نمی‌بینید که نامی از قیصر و امثال او برده باشند.» (رک به: شکفتن در آتش: ۱۲۴)

«غلامرضا رحمدل»، شاعر و استاد دانشگاه گیلان، درباره آرمان‌گرایی در شعر «قیصر»، می‌نویسد: «قیصر در دو اثر آغازین خود، نشان می‌دهد که برای آرمان‌ها شعر سروده است اما این آرمان‌ها به تدریج از رنگ و رونق پیشین تخلیه می‌شوند؛ ابوذرها اغلب ابوتزویر شدند و به قول «علیرضا قزوه»، گویی که خون شهید، خون حجامت بود. این مناظر مانند آینه، ناگهان مقابل چشم انقلابیون آرمان‌اندیش و «قیصر»، سبز شد و مجموعه «آینه‌های ناگهان»، شکل گرفت.» (رک به: نامه پایداری: ۱۰۶)

۲۱- قیصر و سیاست

«امین پور» ازدوران دبیرستان با عده‌ای از دوستانش به فعالیت‌های سیاسی می‌پرداخت و نشریه‌ای زیر زمینی به نام «حدید»، علیه رژیم شاه منتشر می‌کردند. قیصر پس از عزیمت به تهران نیز به خیل «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» پیوست؛ حتی پس از تسخیر لانه جاسوسی، اعلامیه‌های دانشجویان را از فراز دیوار آنجا می‌خواند. شاعر معاصر و دوست و همشهری قیصر، «یوسفعلی میرشکاک»، در این باره می‌گوید: «قیصر یکی از دانشجویان فعال پیرو خط امام در تسخیر لانه جاسوسی بود.» (محقق، ۱۳۸۷: ۶۷)

«بهرروز یاسمی» در این باره می‌گوید: «تلاش برای مصادره کردن او از طرف هر دسته و گروه، گناهی است نابخشودنی.» «قیصر امین پور»، بزرگ‌تر از آن بود که در چارچوب‌های تنگ و محدود تقسیم‌بندی‌های رایج ادبی یا سیاسی بگنجد.» (همان: ۷۴)

«محسن مؤمنی شریف» که از دوستان قیصر بود چهل روز پس از درگذشت «قیصر»، گفته است: «در این چهل روز، احزاب سیاسی از «قیصر امین پور» چهره

دیگری ساخته‌اند که برای دوستانش ناآشناست؛ این قیصر جدید، یک فعّال سیاسی بوده و به گمانم اگر می‌ماند، حتماً در انتخابات مجلس کاندیدا می‌شد و خیلی کارها برای حزبشان می‌کرد.» (۱۳۸۹/۳/۲۹: ۱ www. Ketab news.com/dwtail-fa)

امّا، خود «قیصر امین پور» دربارهٔ جناح‌های سیاسی و رابطه‌اش با آنان سروده است:

«جز همین زخم خوردن از چپ و راست
زین طَرَف‌ها چه طَرَف بر بستم
جرمم این بود: من خودم بودم
جرمم این است: من خودم هستم»

(امین پور، ۱۳۸۸: ۲۲۳)

«حسین اسرافیلی» نیز گفته است: «قیصر ثبات اندیشه داشت و اندیشهٔ سیاسی‌اش ملهم از اندیشهٔ حضرت امام (ره) بود. او از دانشجویان پیرو خطّ امام در تسخیر لانهٔ جاسوسی بود ولی اهل سیاست و حزب نبود. بیانیه نمی‌داد و پرخاشگر نبود، آزاد منش بود و جوانمرد؛ او هرگز بنا به مصلحت شعر نگفت. «قیصر» از شعرش جدا نیست و برای شناخت او، باید به شعرش رجوع کرد.» (رکب به: ویژه نامهٔ قاف، ص ۲۴)

۲۲- سیر تحوّل در شعر قیصر

کسانی هستند که دربارهٔ تحوّل در شعر «قیصر»، منفی بافی می‌کردند و مثلاً می‌گفتند: شعرهای اولیهٔ قیصر، امیدوارانه است امّا در شعرهای اخیرش، دیگر آن آینده‌نگری امیدوارانه دیده نمی‌شود و حتّی نوعی یأس و حرمان به چشم می‌آید. «هادی سعیدی کیاسری» در پاسخ می‌گوید: «قیصر، شاعری است که از ابتدای شاعری‌اش تا آخر عمرش، هیچ وقت در حاشیه نبود و این چنین شاعری نمی‌تواند از تحوّل برکنار بماند. او در روزگار جنگ، راوی جنگ بود، با روایت‌های خودش امّا پس از جنگ با حفظ اصول اعتقادی‌اش، به سراغ مضامینی می‌رود که

پیش تر چندان به آنها نپرداخته بود؛ او در هر دو موقعیت، به سرنوشت مردم ملتزم است و راوی دردها و آرمان های مشترک مردم خود است...قیصر هرگز به لحاظ محتوایی در نقطه مقابل آثار دهه شصت خود نایستاد.

شعر نیمایی «روز ناگزیر» را نقطه عزیمت «قیصر» و جدا کننده دو دوره شعری او می دانند؛ این شعر مفصل در مجموعه «آینه های ناگهان» آمده است. این روز ناگزیر،

روز آرمانی شاعر است؛ روزی که همه بشریت به آزادی و آسایش خواهند رسید، بدون قید مسلمان و غیر مسلمان، شیعه و غیر شیعه، انقلابی و غیر انقلابی بدون این که در فلان جنگ، این طرف ایستاده باشد یا آن طرف. انسان به معنای نفس کریم، در این روز ناگزیر که در همه ادیان وجود دارد، به رهایی می رسد. او منتظر منجی است که در آن روز، کرامت را به انسان برمی گرداند؛ در چنان جهانی، نه ظلمی وجود دارد، نه جنگی واجب می آید.» (رک به: شکفتن در آتش: ۱۲۱-۱۱۹)

۲۳- تحوّل و نه تضاد

پرداختن به مفهوم صلح، هرگز به معنای انکار دفاع مقدس نیست. «سید اکبر میرجعفری» درباره «قیصر» می گوید: «او با جنگ زبان باز کرد و با همان زبان شاعر شد و چنین است که آن زبان و بیان در آخرین آثار او نیز، جلوه گری می کند؛ گر چه شعرهای اخیر او، طرحی برای صلح باشد، نه برای جنگ. البته تردیدی نیست که طرح های او برای صلح، زبانی پخته و سخته تر دارند. پس از جنگ نیز «قیصر» راه های دیگری را در شعر آغاز کرد و پیمود که در هر کدام از مسیرها نیز به آثار قابل توجهی دست یافت.» (همان: ۱۵۷)

۲۴- تحوّل در گذر زمان

«عبدالجبار کاکایی» درباره سیر تحوّل در شعر «قیصر» می گوید: «تجربه های «قیصر» در دو کتاب «گل ها همه آفتابگردانند» و «دستور زبان عشق»، نشانه هایی از یک آرامش است. «قیصر» به دنبال تغییر بستر زبان و فرم نیست. او همان شاعر

اجتماعی دهه شصت است که شعرش تریبون خطابه های شورانگیز احساس و عقل شده.

«دستور زبان عشق»، روایت های کوتاهی است از عشق و نو میدی، جنگ و صلح، بیم و امید، یأس و دلتنگی، با سایه سنگینی از دلشوره و تردید. شناسنامه نسلی که آمده بود بسازد، بنوازد و برسد ولی ساخت و ویران شد و نواخت و سیلی خورد و رسید و افتاد، در بستر اندوهی تاریخی.

زبان رسا و مطمئن و آرام قیصر، آن قدر صیقل خورده که آینه شده است برای نمایاندن خاطرات نسل او. پرتوی از اندیشه های عارفانه در اغلب آثار این کتاب به چشم می خورد. «دستور زبان عشق» تبارنامه یک نسل است.

نفوذ دانش های ادبی و علمی «امین پور»، در شکل گیری بعضی از شعرها مثل «اخوانیه» و «راز زیبایی»، نقش داشته است. خلاصه این که «قیصر» کاشف فروتن معنی است و بیش از آن که به لفظ بیندیشد، به معنا نگریسته است. (رک به: محقق، ۱۳۷۸: ۵۸ - ۶۱)

۲۵- تغییر و تحوّل زبانی

امین پور از سال های ۵۹ و ۶۰، مسیر خود را در غزل و شعر نو به خوبی روشن کرد. او شاعرِ واژه ها، اشتقاقیات الفاظ و آهنگ اصوات آنهاست. به علاوه این که در کلام از منطقی علمی و استدلالی بهره می برد.

«امین پور در سال ۶۲، تجارب خود را در غزل تکمیل کرد و به این قالب بیشتر اهمیت داد و به نظر می رسد که «قیصر» به رابطه های سنتی در زبان شعر پایبند است؛ مثلاً در این بیت از او: «موسی تبار، مرد شبان شولا در گرگ و میش آتش و دود آمد»، رابطه لَفّ و نشر میان «گرگ و میش» و «آتش و دود» بیانگر همین پایبندی است.» (کاکایی، ۱۳۸۵: ۷۶)

گروهی معتقدند، بیشتر کلماتی که در شعر انقلاب مورد استفاده قرار می گیرند، در نثر نیز به کار می روند؛ بنابراین، واژه ها برای خواننده بسیار ملموس می نماید.

«امین پور از اولین کسانی است که در شعر این دوره، تحوّل زبانی ایجاد می‌کند. در شعر این دوره، علاوه بر محتوا، تفاوت محسوسی از نظر زبانی با شعر پیشینیان دیده می‌شود. از واژگان شکسته و مهجور خبری نیست و نمادهای تازه‌ای مانند بهار، پنجره و... وارد شعر می‌شود و بار مفهومی جدیدی به خود می‌گیرد.» (محقق، ۱۳۸۷: ۱۵۹)

۲۶- تحوّل مضمونی

بعضی‌ها معتقدند که بر مبنای مضمون و محتوا و نه به لحاظ ساخت و فرم، دو برهه در آثار شعری «قیصر» وجود دارد. این مسأله تا حدّی نزد عموم نویسندگان و شاعرانی که این دو برهه تاریخی را تجربه کرده‌اند، قابل اثبات است.

کسانی که انقلاب و هشت سال جنگ را تجربه کرده‌اند، ناگزیر در جریان حوادث، سخن و روایتشان در هر زمینه‌ای - حتی اگر شعر عاشقانه هم می‌گفتند - تحت تأثیر آن فضا بوده است؛ بعد از اتمام جنگ، شاعران و نویسندگان فرصت پیدا کردند که با زندگی مواجهه دیگری داشته باشند و دیگر اولویت با جنگ نبود. اما از جهت دیگر، شاهد ادامه طبیعی شاعری قیصر هم هستیم؛ یعنی آرمان‌های قیصر به عنوان شاعری که اهتمام به بیان آرمان‌ها و حرمان‌های مردم داشت و خود را در خدمت اعتقادات مردمش می‌دید، با خاتمه جنگ نمی‌توانست به پایان برسد.

۲۷- تحوّل از برون‌گرایی به درون‌گرایی

«حمیدرضا شکارسری» درباره تحوّل در شعر «قیصر» می‌گوید: «او حرکتی دامنه‌دار اما منطقی، محتاطانه و پرحوصله را از شعر برون‌گرایی آغازین با حرکتی از «من جمعی» به سمت «من فردی» داشت. تسلط «امین پور» بر این کار، باعث شد دچار تندروری‌های نوآورانه نشود و در عین حال، هیچ‌کس نتواند شعر او را سنتی و ارتجاعی بخواند؛ حالا استعاره‌ها و نمادها، جای تشبیهات را گرفته‌اند و این بیان

استعاره و نمادین از وضوح آثار کاسته و درعوض به ارزش های زیبایی شناسانه آن افزوده است.» (رک به: شکفتن در آتش: ۱۲۷)

۲۸- سیر تکاملی شعر قیصر

از نیمه دهه شصت، «امین پور» به ثبات زبان و اندیشه در شعر دست یافت. او از شاعرانی است که در شعرش، نوگرایی در مضمون و اندیشه دیده می شود. «پور نامداریان» درباره «قیصر امین پور» و شعرش می گوید: «هر شاعری که در ابتدای راه، شعر می گوید و اشعارش سیر تکاملی دارد، درجایی می ایستد و تکرار می شود در صورتی که «امین پور»، شعرش خیلی زود به تکامل و تعالی رسید و با تغییر و تحولاتی که از سر می گذراند، همچنان رو به تکامل داشت.

گر چه بعضی وقت ها، سبک کارش در برخی از آثار فرق می کرد اما این سبک ها به نظر من، رو به کمال داشت و می توانست باز هم صورت های جدید و بدیع دیگری در شعر خلق کند. نوعی جهش در آثارش مشهود بود که هم در معنا آفرینی هم در شکل و فرم، نسبت به گذشته خیلی پیش رفته است.

او درباره شعر «قیصر»، پس از پایان جنگ، می افزاید: «در این مقطع، «امین پور» در پی کشف فضاهای تازه در شعر و برخی حقیقت ها بود که فقط در شعر می تواند مطرح و بیان شود. آن جرقه هایی که حاصل برخورد دو قطب عقل و جنون است، در آثار این سال های او دیده می شد؛ حقیقتی که با عقل و منطق و فلسفه بیان شدنی نیست و فقط از طریق شعر و شهود بیان می شود.» (همان: ۲۹- ۲۶)

شعر «امین پور» در صبح انقلاب زاده شد و غبار آلوده از جنگ، از کوچه آفتاب به تأمل و جست و جوی حقیقت برآمد. «سعید خومحمدی خیرآبادی»، پژوهشگر آستان قدس رضوی، درباره سیر تحوّل در شعر «قیصر»، نوشته است: «به نظر می رسد در شعرهای آغازین «امین پور» در سال های (۵۷ تا ۶۲)، نوعی دوگانگی میان آثار کلاسیک و نو دیده می شد؛ غزل «سفر» شاهد این مدعا است. با مطلع:

«بر دل خون من، دمی، دیده نظر نمی کند

بر لب خشک من، نمی، دیده تر نمی کند»

«قیصر» ابتدا سعی در ساختن غزل به شیوه قدما دارد اما در سال های بعد، اندک اندک زبان او در غزل اصلاح می شود. «رک به: امیری خراسانی، ۱۳۸۴: ۱۸۸) مجموعه «آینه های ناگهان»، تحول کیفی و کمی شعر «امین پور» را بازتاب می دهد. در این مرحله، او به درک روشن تری از شعر و ادبیات می رسد. اشعار این دفتر، نشان از تفکر و اندیشه ای دارد که در ساختاری نو عرضه می شود. «آینه های ناگهان»، «قیصر» را به عنوان شاعری تأثیرگذار در طیف هنرمندان پیشرو انقلاب، تثبیت می کند؛ همچنین موجودیت شاعری از نسل جدید به رسمیت شناخته می شود.

نتیجه

قیصر امین پور را باید برجسته ترین شاعر دفاع مقدس بدانیم و می توان گفت که بزرگان ادب معاصر از تمام جناح ها به این مسأله اذعان دارند. قیصر پیشرو شاعران انقلاب بوده و به قول یکی از دوستانش، همیشه در لوکوموتیو قطار شعر انقلاب و دفاع مقدس بوده است.

امین پور شاعری متعهد و آرمان گرا بود و تا زمان مرگ ناپهنگامش به آرمان هایش معتقد باقی ماند. او خود را به گروه های سیاسی وابسته نمی دانست ولی همواره قلبش برای انقلاب اسلامی و ارزش ها می تپید.

شعر قیصر، سیری تکاملی داشت و افق های روشنی را نوید می داد. هر چند گفته می شود تحول شعر او پس از پایان جنگ آغاز شده بود، در حقیقت سیر تحول در شعر قیصر، همیشگی بوده و در گذر زمان رخ داده است.

گرچه تعداد اشعار مربوط به دفاع مقدس، در آثار اخیر امین پور کمتر شده است، او هرگز از یاد شهیدان و ارزش های اسلامی غافل نشده و تغییر و تحول در شعر قیصر به هیچ وجه رنگ و بوی خودباختگی و تضاد با آرمان ها نداشته است.

فهرست منابع

۱. امیری خراسانی، احمد، ۱۳۸۴، **نامه پایداری** (مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری)، کرمان.
۲. امین پور، قیصر، ۱۳۶۸، **تنفس صبح**، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.
۳. امین پور، قیصر، ۱۳۸۶، **سنت و نوآوری در شعر معاصر**، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. امین پور، قیصر، ۱۳۸۸، **مجموعه کامل اشعار قیصر**، تهران: مروارید.
۵. امین پور، قیصر، ۱۳۷۲، **مصاحبه با قیصر امین پور**، تهران: کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۱۹.
۶. باقری، ساعد (با همکاری محمدرضا محمدی نیکو)، ۱۳۷۲، **شعر امروز**، تهران: الهدی.
۷. بصیری، محمد صادق، ۱۳۸۸، **سیر تحلیلی شعر مقاومت**، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۸. بیات، حسین و، حسینی، سید محسن، ۱۳۸۷، **چشم انداز ادبیات انقلاب اسلامی**، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات صدا و سیما جمهوری اسلامی.
۹. دیچرز، دیوید، ۱۳۸۸، **شیوه‌های نقد ادبی**، ترجمه محمد تقی صدقیانی و غلامحسین یوسفی، چاپ ششم، تهران: علمی.
۱۰. سارتر، ژان پل، ۱۳۴۸، **ادبیات چیست؟**، ترجمه ابوالحسن نجفی، تهران: کتاب زمان.
۱۱. سلحشور، یزدان، ۱۳۸۶، **رسم شقایق** (سوگنامه قیصر)، تهران: سروش.
۱۲. شفیعی، سید علی، ۱۳۸۷، **دست‌هایم درخت می‌زاینند**، تهران: هنر رسانه‌ای، اردیبهشت.
۱۳. شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۸۳، **آواز باد و باران**، چاپ سوم، تهران: چشمه.
۱۴. قاسمی، حسن، ۱۳۸۳، **صور خیال در شعر مقاومت**، تهران: فرهنگ گستر.
۱۵. کاخی، مرتضی، ۱۳۸۷، **روشن تر از خاموشی**، چاپ نهم، تهران: آگاه.
۱۶. کاکایی، عبدالجبار، ۱۳۸۵، **آوازه‌های نسل سرخ**، چاپ دوم، تهران: عروج.
۱۷. محقق، جواد، ۱۳۷۸، **شکفتن در آتش**، تهران: هنر رسانه‌ای اردیبهشت.
۱۸. گروه مؤلفان، ۱۳۸۶، **قاف** (ویژه نامه بزرگ داشت قیصر امین پور)، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدّس.
۱۹. گروه مؤلفان، ۱۳۷۲، **کتاب ماه ادبیات و فلسفه**، شماره ۱۹، مهرماه.
۲۰. موحد، ضیاء، ۱۳۷۷، **شعر و شناخت**، تهران: مروارید.
۲۱. نجفی، ابوالحسن، ۱۳۵۶، **وظیفه ادبیات**، تهران: کتاب زمان.
۲۲. منابع مجازی: fa- www. Ketab news.com/dwtail .